

باید یک تیم با خرد جمعی وارد میدان شود

۷،۲۰

نجات ۲۰ کارخانه از خصوصی سازی رانتهی

روایتی از ورود قوه قضائیه به پرونده‌های اقتصادی که در جریان واگذاری‌ها ورشکسته شده بودند

۱۶

مستند «معضل اجتماعی» روایتی خارق العاده از طراحان بزرگ شبکه‌های اجتماعی دارد



شورش آشپز علیه مخدر هوشمند

۱۷،۱۷

رئیس دانشگاه آزاد روزهای پایانی هفته گذشته به استان اردبیل سفر کرد

ریل گذاری آینده واحدهای استان اردبیل بر مبنای توسعه منطقه‌ای

۱۶

پیدا کردن یک سرپناه با قیمت معقول در تهران هر روز ناممکن تر می‌شود

رشد ۲۴۰ درصدی اجاره بها در دولت روحانی



۸

یادداشت

تحولات غرب آسیا در دنیای واقعی

سید مهدی طالبی

روزنامه‌نگار

با ورود ایران و دیگر اعضای محور مقاومت به بحران سوریه برای کمک به نظام این کشور در مقابل قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، جبهه متشکل از غرب، ترکیه و رژیم صهیونیستی تلاش کردند ورود این محور را ورود «شیعیان» به جنگ علیه «اهل تسنن» القا کنند. هرچند بسیاری از سربازان و اعضای نظام سوریه را اهل تسنن تشکیل می‌دادند و کشتاری که گروه‌های تروریستی به راه انداخته بودند، بیشتر در دایره اهل تسنن بود تا شیعیان ولی این تبلیغات و حمایت‌های لجستیکی و مالی غرب و کشورهای منطقه از تروریست‌ها، باعث شد برخلاف واقعیت، تفرقه مبنی بر جنگ شیعی-سننی در قسمت‌های مهمی از افکار عمومی ایجاد شود و گروه‌هایی مانند داعش از دل القاعده بیرون بیایند. این در حالی بود که تا پیش از این، القاعده وارد نبرد با شیعیان نشده بود و حتی جمله‌ای از بن لادن علیه شیعیان منتشر نشده بود و جانشین او ایمن الظواهری نیز تا پیش از قضایای سوریه سخنی علیه شیعیان نگفته بود. پس از افتادن پرزنگ مساله شیعه-سننی و به وجود آمدن گروه‌های ضد شیعی مانند داعش، نیروی ضد شیعی موجود در منطقه به آن پیوست و در سوری دیگر با وقوفی شدن وضعیت در کشورهای منطقه، گروه‌های مسامحه‌چوتری نسبت به گذشته میان جهان اهل سنت شکل گرفت که از شقاوت و بی‌رحمی گروه‌های تروریستی (داعش، النصرة و...) به وجود آمده از دل اهل تسنن احساس نگرانی می‌کرد. حتی برخی جریان‌ها اسلام‌گرا مثل جنبش النهضة تونس و بخشی از اسلام‌گرایان مصری برای آنکه به داعشی و خشونت طلب بودن منتهم نشوند مجبور شدند بخشی از دیدگاه‌های خود را تعدیل کنند. این گروه‌ها در مقابل تبلیغات رقبا و دشمنان خود مانند ملی گرایان، لیبرال‌ها و سکولارها بالاجبار دست به تعدیل دیدگاه‌های خود زدند که این امر باعث نشد آنها به گروه‌های مخالف خود نیز شباهت پیدا کنند. با شکست داعش و گروه‌های مشابه آن در سوریه، از میان دو گروه «ضد شیعی» و «مسامحه‌جو» اهل سنت گروه نخست به شدت سرکوب شد. صدها هزار عضو این گروه به تنهایی با شیعیان روبه‌رو شده بلکه بخش مهمی از اهل سنت را نیز با خود دشمن کردند. جبهه تکفیری ضد شیعی در جریان بحران سوریه و اشغال عراق در وهله نخست به شدت سرکوب شد و توان خود را از دست داد و در مرحله دوم بخش بزرگی از اهل سنت را به دلیل توحش با خود دشمن ساخت و در سومین گام نیز باعث شد افرادی که ضد شیعه بودند به دلیل ترس از متهم شدن به خشونت، راه سکوت را در پیش گرفته و در جامعه منزوی شوند. این افراد در صورت ابراز سخنان خود به دلیل مشابهت افکار و عقایدشان با داعش، از سوی جامعه طرد می‌شدند. با رخ دادن این قضایا، جامعه جهان اسلام و جهان عرب که اکثریتش اهل تسنن دارد از تفکرات و عقاید ضد شیعی تا حد زیادی تخلیه شد و گروه‌ها و افراد ضد شیعه مسلح نیز سرکوب شده و به دلیل کشتار اهل سنت حتی از سوی آنان نیز مورد خشم قرار گرفتند. در سوری دیگر نیز طرفداران اصلی این گروه به دلیل شکست گسترده در عراق و سوریه و همچنین بدنامی داعش و افکار داعشی سرخورده و منزوی شدند. این مساله در حالی بود که حتی تا پیش از به اوج رسیدن قضیه شیعه-سننی طی بحران سوریه، نگرانی از گسترش شیعه در بطن جامعه عربی جایگاه قابل توجهی داشت. عبدالله دوم، پادشاه اردن نخستین فردی بود که در سال ۲۰۰۴ با به کار بردن کلمه «هلال شیعی»، «شیعه‌هراسی» را در منطقه و میان افکار حکام و مردم جهان عرب به نمایش گذارد. این حرف تاثيرگذار او که بر امکان اتحاد شیعیان ایران، عراق و شام تا یکد داشت، در سال جاری میلادی در گفت‌وگو با فرانس ۲۴ نیز تکرار شد اما برخلاف سال ۲۰۰۴، این بار با بی‌توجهی افکار عمومی مواجه شد. این تغییرات به خوبی نشان می‌داد دوگانه شیعی-سننی از منطقه رخت برپسته است. از سوی دیگر، پان عرب‌ها که حکومت شوروی حامی آنها بود، بعد از فروپاشی این حکومت، شکست‌های سنگینی خوردند. تحقیر ملی گرایان عربی مانند صدام حسین، معمر قذافی و علی عبدالله صالح باعث شد نیروی قوم‌گرای عربی نیز به محاق برود و از این طریق شکاف «عرب-فارس» نیز تا حد زیادی توان خود را از دست داد. شکست پان عرب‌ها و تخلیه نیروی افراطی ملی‌گرایان در جهان عرب و در سوری دیگر تخلیه نیروی ضد شیعی، موانع بزرگی را از جلوی راه ایران برای تعامل موثرتر با قشر بزرگ‌تری از جهان اسلام و جهان عرب از بین برد. همین وضعیت باعث شد سردار شهید قاسم سلیمانی در میانه جنگ با داعش در سوریه، مذاکرات حرمانه با اخوان المسلمین مصر را با وجود دیدگاه‌های نسنن‌تند آنان علیه تهران، هدایت و رهبری کند. با تغییرات در جهان عرب و

موقفیت ایران در عراق و سوریه، کشورهای عربی که هیچ ابزاری برای مواجهه با ایران نداشتند، تصمیم به علنی سازی رسمی یا غیر رسمی روابط خود با صهیونیست‌ها گرفتند تا آخرین حکومت‌های مستمگر عربی با مشخص کردن نیت خود و خیانت به قضیه فلسطین که مساله‌ای اسلامی و عربی است، بدنامی را در جهان اسلام و جهان عرب برای خود بخزند. جهان اسلام و عرب در حالی نظاره‌گر امضای توافق صلح در واشنگتن میان امارات، بحرین، آمریکا و رژیم صهیونیستی بود که نیروهای مقاومت غزه با موشک‌هایی که با حمایت‌های ایران به دست آورده بودند، شهرک‌های صهیونیست‌نشین را هدف حملات خود قرار دادند. در غرب آسیای جدید، دیگر شکاف شیعه-سننی و یا عرب-فارس در برابر ایران صفا آری نمی‌کند. اکنون تهران به دلیل وجود تکفیری‌ها، روابط خوبی با برخی گروه‌های اهل سنت برقرار کرده و در سوری دیگر خیانت محور سعودی اماراتی قدرت نرم و وجهه آنان را در دو جهان اسلام و عرب به خطر انداخته است. در حالی که در جلوی چشم همگان اعراب و افکار عمومی منطقه ایران را می‌بینند که در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی ایستاده و از دیگر ملت‌های مسلمان و عرب حمایت می‌کند. این اتفاقی است که در صورت پایداری ملت ایران تغییرات قابل توجهی را در جهان اسلام ایجاد خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

آمریکا پس از وقوع انقلاب، از ظرفیت حکومت صدام در مقابله با ایران استفاده کرد اما با شکست جبهه جهانی در مقابل ایران و ورود مستقیم آمریکا در اواخر جنگ ایران و عراق به روه‌ارویی نظامی با جمهوری اسلامی، واشنگتن بالاجبار متوجه شد دیگر کاری از دست ائتلاف‌ها ساخته نیست و باید با تمام توان وارد منطقه شود. پس از پایان جنگ صدام با ایران، صدام به این نتیجه رسید که در مرزهای غربی نمی‌تواند به دنبال چیزی باشد و باید شانس خود را در جایی دیگر امتحان کند. حمله به کویت و احتمال تهدید رژیم صهیونیستی از سوی او، کاخ سفید را مجبور به لشکرکشی به غرب آسیا کرد. در دهه نخست قرن بیست و یکم، حضور آمریکا در منطقه با اشغال عراق و افغانستان مستقیم تر شد. با این حال ناکامی در این دو جنگ در کنار فرسایش شدید متحدان آمریکا در منطقه و از دست دادن ظرفیت‌های نظامی و ایدئولوژیک‌شان، حالا کاخ سفید برای از دست رفتن جایگاهش در منطقه ناچار است وجهه تهاجمی تری به خود بگیرد. بخش مهمی از «سیاست فشار حداکثری» علیه ایران با این هدف است که کاخ سفید متوجه تغییرات در منطقه شده و می‌داند اگر دست روی دست بگذارد ساختارهایش در منطقه با فروپاشی بیشتری روبه‌رو می‌شود. در سوری دیگر آمریکا می‌داند ظرفیت مناسبی برای درگیری با ایران ندارد و در صورت بروز درگیری نظامی نمی‌تواند پیروز از منطقه خارج شود. سلاح‌های نامتعارف و ابزار آلانته مانند نیروی موشکی تنها برای ایجاد موازنه ترس و بازآزادگی مناسب هستند و این صحنه میدانی است که نتیجه جنگ را تعیین می‌کند. آمریکا در صورت جنگ برای حمله برحجم مجبور است در منطقه‌ای با ایران بجنگد که تهران عمق راهبردی خود را در آن گسترش داده و همان گونه که سردار سلامی، فرمانده کل سپاه در هفته گذشته هشدار داد می‌تواند تمامی پایگاه‌های آمریکایی را به تصرف خود در بیاورد. «راده» مردم ایران و مسئولان این کشور تنها امید واشنگتن برای پیروزی است. آنها باید در نبرد اراده‌ها ایران را شکست داده و به نابودی بکشند و ایرانیان را در ذهن به این نتیجه برسانند که شکست خورده‌اند. در صورت شکست آمریکا در نبرد اراده‌ها، سرنوشته روی دیگر خود را به واشنگتن نشان خواهد داد.

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر محمد خدای

معاون محترم مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شهادت جناب سرافراز انقلاب اسلامی سرتیپ پاسدار حاج حمید خدای را به جنابعالی تسلیت عرض کرده و از خداوند متعال برای آن شهید و الامقام همنشین با حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و صبر جزیل را برای جنابعالی و سایر بازماندگان خواستاریم.

روزنامه فرهیختگان

هفته گرامی یاد

ما قوی‌ها هستیم
We are strong



کتابخانه ملی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

